

قراءت فقهی حقوق اقتصادی

سیدعلی محمد یثربی

دانشیار گروه حقوق خصوصی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران

چکیده

فقه اسلامی ریشه حقوق و مکتب اقتصادی و محیط پرورش علم اقتصاد اسلامی و رکن رکین نظام اقتصاد اسلامی است. حقوق و اقتصاد دو شعبه از علوم انسانی‌اند که پیش از قرن ۱۸ مستقل از یکدیگر نبوده‌اند. با گسترش روش‌شناسی تجربی و غلبه آن بر اقتصاد، به تدریج اقتصاد به صورت علم مجزا و بدون توجه به حقوق و نهادهای حقوقی مطرح شد. مقاله پیش رو کوشیده است ضمن اثبات رابطه حقوق و اقتصاد، ترابط آن دو را بر اساس مبانی فقهی توجیه کند و در ادامه به طراحی دروس تلفیقی از حوزه‌های معرفتی سه‌گانه بپردازد. انواع رویکرد درون‌رشته‌ای موازی، میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای متقاطع و متکثر و فرارشته‌ای، محاسن و معایب هر یک ملاحظه شده است و با رویکردی ترکیبی با لحاظ محاسن گونه‌های مطرح به تولید رشته علمی فقه و حقوق اقتصادی با استفاده از اهالی علم و فن در هر سه عرصه پرداخته شده است. امید است، سرمایه‌های انسانی آن مضاعف شود و توانمندی و کارآمدی این دانش در مقابله با مشکلات حیات اجتماعی ارتقا یابد. این مقاله انعکاسی درخور از این تحرک علمی است.

کلیدواژگان

حقوق، حقوق اقتصادی، فقه.

مقدمه

مبانی نظری و نظریه‌های رقیب و سرگذشت شکل‌گیری نظریه و آثار آن

دغدغه‌های معرفتی حاکم بر فضای علمی کشور درباره پیوند واقعی حوزه و دانشگاه آن طور که امام امت (ره) فرمودند که فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت بیشتر آشنایی دارد تا فرهنگ فلسفی و نظری، باید با برداشتن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در یکدیگر ذوب شوند تا زمینه برای بسط و گسترش معارف اسلامی وسیع‌تر شود (صحیفه نور، ج ۲۰)، و نیز نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و نظریه‌پردازی مورد نظر مقام معظم رهبری آنجا که فرمودند: «عده‌ای مدام خود را تکرار می‌کنند و عده‌ای تنها غرب را ترجمه می‌کنند و جامعه و حکومت نیز که تابع نخبگان خویش‌اند، دچار انفعال و عقب‌گرد می‌شوند. باید ایده‌ها در چهارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت کنند و مصاف دهند تا جهان اسلام اعاده عزت و هویت کند و ملت ایران به رتبه جهانی که استحقاق آن را دارد بار دیگر دست یابد و بالاخره مناظره و نظریه‌پردازی در چهارچوب محکومات اسلام و با رعایت اخلاق و منطق علمی یک ارزش دیرینه در فرهنگ اسلام است و اصولاً مفاخر علمی حوزه همواره با نقد نظریات دیگران زمینه رشد و شکوفایی یافته‌اند» (نامه پژوهشگران به رهبر معظم، ۱۳۸۱/۱۱/۳).

تبیین اسلامی علوم انسانی، لزوم برنامه‌های آموزشی و پژوهشی تلفیقی بین‌رشته‌ای در پاسخ به ابعاد پیچیده حیات فردی و اجتماعی انسان و حل معضلات نظام اسلامی، تربیت دانش‌آموختگان متعهد و آشنا به مسائل مبنایی و بومی در کشور و دستیابی به نظریه رابطه فقه و حقوق، و اقتصاد و رشته تحصیلی فقه و حقوق اقتصادی که محصول علمی و اجرایی آن خواهد بود، در این مقاله به بحث و بررسی گذاشته شده است.

فقه در لغت به معنی فهم است و در اصطلاح قرآن و براساس آنچه در آیه ۱۲۴ سوره توبه آمده است، فهم همه‌جانبه و عمیق دین است؛ و به قول حاج ملاهادی سبزواری، «در صدر اسلام تکلم در اصول عقاید و تعمق در معارف مبدأ و معاد را فقه می‌گفتند تا آنکه نزد متأخران از متشرعین حقیقت شد در علم به احکام شرعی، که مستنبط شود از ادله تفصیلیه و متکلمین علم

کلام و علم اصول دین را فقه اکبر گویند و تعریف کنند آن را به علم عقاید دینی که مکتسب شود از ادله یقینیه» (مقدمه شرح منوی، بی تا، ص ۴). علم حقوق که همان دانش قانون است در معنای نوعی، مجموعه مقررات حاکم بر روابط افراد در جامعه سیاسی است که به اعتبار ابعاد گوناگون آن به حقوق خصوصی عمومی و ملی و بین‌المللی و امثال آن تقسیم شده است و عناوین متفاوت دارد. علم اقتصاد علمی است که حیات اقتصادی و پدیده‌ها و جلوه‌های آن را تفسیر و ارتباط آن پدیده‌ها و جلوه‌ها را با اسباب و عوامل کلی که بر آن حاکم است، بیان می‌کند.

سیستم اقتصادی عبارت از برنامه‌ای است که جامعه ترجیح می‌دهد در حیات اقتصادی و حل معضلات علمی خویش بر اساس زمینه فکری خاص خود از آن پیروی کند.

بخش اعظم سیستم اقتصادی جزء مقررات حقوقی محسوب می‌شود، یعنی رعایت آن بر همه افراد لازم است و این مقررات از جهتی که تنظیم‌کننده «روابط اجتماعی» است و الزام و ضمانت اجرا دارد، جزء مقررات حقوقی خواهد بود و از این جهت که تأمین‌کننده «نیازهای اقتصادی» فرد و جامعه است، جزء سیستم اقتصادی است.

علم اقتصاد براساس تعریف معمول، جنبه دستوری و ارزشی ندارد و تأثیر آن در حقوق با تأثیر مستقیم سیستم اقتصادی در آن کاملاً متفاوت است، مگر اینکه برای علم اقتصاد پیش‌فرض‌های زیرزمینی و فلسفه ویژه ملاحظه و لحاظ کنیم که در این فرض، علم اقتصاد هم جهت‌گیری ویژه‌ای دارد و از این جهت باید و نبایدهای دارد که مبنی بر تحلیل پدیده‌های اقتصادی و الگوهای مورد قبول جامعه‌ای که اقتصاددان متعلق به آن است و در حقیقت، نوعی سیستم اقتصادی را درون خود دارد که به‌طور طبیعی، با علم حقوق رابطه تنگاتنگی خواهد داشت.

اکنون که پیوند میان حقوق و اقتصاد امری مقبول تلقی شد، درباره رابطه حقوق و دین و فقه عموماً و در جمهوری اسلامی ایران خصوصاً بحث می‌شود.

پیوند میان دین و حقوق چنان استحکامی دارد که در قرآن کریم، زمینه‌های اجتماعی و عوامل گوناگونی که در جامعه بشری حاکمیت یک نظام حقوقی را ایجاد می‌کنند، عامل بعثت انبیا و فرستادن ادیان و ارسال کتب و میزان در نظر گرفته شده است، این امر اهمیت نظام حقوقی را در ادیان و پیشگاه خدای متعال نشان می‌دهد، گویی فرستادن دین به جهت حاکمیت‌بخشیدن به نظام

حقوقی آن در جامعه است. مراجعه به تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره در تفسیر میزان به روشنی گواه این مطلب است.

نظام حقوقی اسلام بخش عملی دین مقدس اسلام است که مبنی بر وحی الهی بر رسول خدا (ص) و خاتم انبیاء است علم فقه که بخش اعظم آن متکفل مباحث حقوقی است، از وسیع‌ترین و گسترده‌ترین علوم اسلامی است و تاریخ آن از همه علوم دیگر اسلامی قدیمی‌تر است. به تعبیر امام راحل و عظیم‌الشأن، فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد (پیام امام به روحانیت).

حقوق اسلام حقوق مترقی متکامل و جامع است کتاب‌های قطوری که از دیر زمان در زمینه‌های مختلف حقوقی تدوین شده است از احکام قضای معاملات حدود و قصاص گرفته تا روابط ملت‌ها مقررات صلح و جنگ و حقوق بین‌المللی عمومی و خصوصی، گوشه‌ای از احکام و نظامات اسلام است، هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نکرده باشد و حکمی درباره آن صادر نکرده باشد.

دست‌های اجانب برای اینکه مسلمین و روشنفکران مسلمان را که نسل جوان ما باشند از اسلام منحرف کنند، وسوسه کردند که اسلامی چیزی ندارد (موسوی خمینی، بی‌تا، ص ۱۰).

در قرن ما با کمال تأسف، نهضت قانونگذاری در کشورهای اسلامی به تقلید از روش‌های غربی آغاز و بسیاری از مقررات فقه اسلامی به ناحق قربانی این نهضت شده است. بزرگ‌ترین فاجعه قرن برای اسلام همین بود که هر روز به بهانه ناسازگاری با مقتضیات زمان بخشی از مقررات اسلامی در زندگی مسلمین حذف شود و به جای آن مقررات اروپا با همه ناسازگاری حکمفرما شود. البته پرهیز از مواجهه با روح زمان یکی از علل این شکست است. استاد شهید مطهری ادامه می‌دهد که «امروز بیش از هر وقت دیگر نیازمند به یک نهضت قانونگذاری هستیم

که با یک دید نو، وسیع و همه‌جانبه که از عمق تعلیمات اسلامی ریشه گیرد و این ریسمان استعمار فکری غربی را از دست و پای مسلمانان باز کند» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۵۷۱). اثر بینش‌های متوالی و متکامل در هیچ جا به اندازه مسائل فقهی و حقوقی محسوس و مشهود نیست. بر فقه اسلامی ادوار و اطواری گذشته است که اجتهاد نسبی و منظور و متکامل می‌نمایاند و هر عصر و زمانی بینش و درک مخصوص ایجاب می‌کند.

این بینش از دو چیز ناشی می‌شود: قابلیت استعداد پایان‌ناپذیر منابع اسلامی برای کشف و تحقیق، و تکامل طبیعی علوم و افکار بشری؛ و این است راز بزرگ خاتمیت و نقش بارز عالم در روایات با ویژگی‌های مناسب این منصب الهی که «قد نصب نفسه لله سبحانه فی ارفع الامور من اصدار کل وارد علیه و تصییر کل فرع الی اصله» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۷).

آدمی که صفا و کمال و معنویت و رقاء معنوی می‌یابد، آن وقت خودش را در بالاترین منصب‌ها می‌یابد هر چه بر دستگاه فکری او وارد شود مثل دستگاه مولدی مواد خام را به مواد مناسب و شایسته تبدیل و تحویل می‌دهد و هر فرعی را به اصل و ریشه خویش بر می‌گرداند که علینا لقاء الاصول و علیکم التفریع (ابن ادریس، بی‌تا، ص ۴۷۸) و به تعبیر ابن سینا «کلیات اسلامی ثابت و لامتغیر و محدود است ولی حوادث و مسائل نامحدود و متغیر است و هر زمانی مقتضیات و مسائل مخصوص خود را دارد به همین جهت، ضرورت دارد که از هر عصر و زمانی گروهی متخصص و عالم به کلیات اسلامی و عارف به مسائل و پیش‌آمدهای زمان عهده‌دار اجتهاد و استنباط مسائل از کلیات اسلامی باشند» (مطهری، ۱۳۴۷، ص ۵۷۱).

از نظر مبانی حقوق، مکتب‌های مختلفی مطرح است، مکتب تحقیقی اجتماعی، تحقیقی حقوقی و تحقیقی تاریخی و مکتب حقوق فطری برای تمییز، آن‌ها در چهار نظریه خلاصه می‌کنیم:

۱. منشأ حقوق و تکالیف خداوند تبارک و تعالی، که این نظریه همه ادیان است.
۲. نظریه حقوق فطری، بنابراین، نظریه منشأ حق و تکلیف در فطرت آدمی است.
۳. نظریه منشأ اجتماعی زندگی اجتماعی در هر مرحله نظامی دارد و برای حفظ این نظام به خودی خود و به‌طور طبیعی، در نتیجه روابط افراد روابط حقوقی برقرار می‌شود.
۴. منشأ حقوق دولت است، زیرا حقوق قواعد حاکم بر روابط انسان است.

با کمی دقت و عنایت از نظر اسلام این چهار نظر هر یک در جایگاه خویش صحیح است، اصل منشأ الهی حقوق (إن الحكم الا لله) با اصل فطرت یگانگی دارد (واقم وجهک للدين فطرت الله اللتی فطر الناس علیها) بدون تحلیل مسائل اجتماعی نمی‌توان حکم حقیقی حقوقی و فقهی آن را کشف کرد و حکومت و دولت به معنی اعم فلسفه همه فقه و ضامن اجرای آن است اعتقاد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری به آن معنی نیست که فقه اسلام پویا نیست و زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند، مسئله‌ای که در قدیم حکمی داشته است. به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد و در این باب نقش محوری ولایت فقیه که به تعبیر صاحب جواهر هر کسی منکر آن شود از طعم فقه چیزی نچشیده است «ما ذاق من طعم الفقه شیئاً» و نیز اهمیت حفظ نظام در منظومه فقهت اسلامی را یادآور می‌شود (یثربی، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

اکنون ما هستیم و این فقه و حقوق و مسائل و معضلات اقتصادی، در حالیکه قانون مدنی ما متخذ از فقه ماست و تاریخ حقوق ما تاریخ فقه ماست. مواد قانون مدنی ما روبرو است، زیربنای آن فقه و کتاب و سنت است که باید سال‌ها در حوزه‌های علمی در صف شاگردان نشست و یاد گرفت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۷). فقه به عنوان نظام بزرگ حقوقی در جهان وجود خارجی دارد، آن را نادیده گرفتن نیهیلیسم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ص ۲۲).

اصل ۴ قانون اساسی نظام اسلامی را موظف می‌کند همه قوانین آن مبتنی بر اسلام باشد و بر همه اصول آن، از جمله اصول مربوط به اقتصاد و قوانین عادی دیگر و چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های توسعه ۵ ساله و لوایح و قوانین سالانه بودجه حاکم است، چه باید کرد. پس نظریه ترابط فقه و حقوق و اقتصاد از اموری است که تصور آن موجب تصدیق است. در نهایت، نحوه تنظیم و سامان‌دهی آن، چگونگی تحقیق و تحقق آن و آموزش آن مطرح است که در قالب نظریه قرائت فقهی حقوق اقتصادی بیان شده است.

نظریه رقیب

نظریه رقیب، اقتصاد را علم محض می‌داند که صاحب هیچ مکتبی حق باید و نباید در عرصه اقتصاد ندارد، ولی بر اساس نظر ما، اقتصاد محل تحلیل پدیده‌های اقتصادی است و قانونگذار این تحلیل‌ها را در ترازوی عقل و مبانی مکتبی می‌سنجد و آنچه را که به صلاح و مصلحت اجتماع است، انتخاب و تصویب می‌کند.

نظریه رقیب حقوق را از سیاست، مذهب و اخلاق مجزا می‌داند ولی حسب نظریه ما حقوق بخشی از فقه اسلام و دین ملت ما است. بسیاری از مسائل اجتماعی چهارراه علوم مختلف است. باید حقوقدان و اقتصاددان با زبان هم آشنا شوند و در خانه فقها بروند تا به نحوی خدایپسندانه منطبق بر قانون اساسی که میثاق ملی اسلامی ماست مسائل را به نفع ملک و ملت حل کنند. مباحثی مثل بازار بورس، قراردادهای آتی، حق اختیار معامله، استصناع اوراق قرضه، مشارکت، کاربرد قواعد فقهی در عرصه اقتصاد، مالکیت، اقتصاد بازرگانی، اقتصاد منابع طبیعی و محیط زیست، اقتصاد بخش عمومی، عدالت اقتصادی، نظام مالی در اسلام، بانک بیمه، مسئولیت مدنی، مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری خارجی، نصوص و متون فقه اقتصادی، عرصه مختلف بروز و ظهور و نتیجه این نظریه است.

پیشینه و توجیه بحث

حقوق و اقتصاد دو شاخه از علوم انسانی‌اند که پیش از قرن ۱۸ جدا از هم نبودند. با گسترش روش‌شناسی تجربی و غلبه آن بر اقتصاد به تدریج اقتصاد به صورت علم مجزا و بی‌توجه به حقوق و نهادهای حقوقی مطرح شد. هایدک در این زمینه می‌گوید: «اثر مصیبت‌بار تقسیم به رشته‌های تخصصی هیچ‌جا واضح‌تر از دو رشته قدیمی حقوق و اقتصاد به چشم نمی‌خورد». مارکس که اقتصاد و شیوه تولید را اساس جامعه و حقوق و اخلاق و فرهنگ را روبنای آن قلمداد کرد و حقوق را تابع ابزار تولید می‌دانست، و حقوق وقتی معنی پیدا می‌کرد که متناسب با ابزار تولید تغییر کند، در جدایی بین اقتصاد و حقوق تأثیر بسزا گذاشت.

ظهور مکتب نئوکلاسیک با به‌کارگیری مدل‌های ریاضی و عقلی و ترسیم انسان اقتصادی ذهنی

طرح عقلانیت ابزاری و حاکمیت دیدگاه اثبات‌گرایانه، افراط در علمی‌بودن اقتصاد موجب دیگری برای جدایی این دو علم شد. اگر بخواهیم اقتصاد، حقوق و بالاخره مرز مشترک آن‌ها را از نظر مفهومی بیان کنیم، باید بگوییم: تهیه‌خواسته‌ها، مفهوم اقتصادی است؛ به چه کسی تعلق دارد، پرسش قانونی است؛ به چه کسی باید تعلق داشته باشد، پرسشی میان اقتصاد و حقوق است.

در عین حال، می‌توانیم مبانی مشترکی برای هر دو بر حسب اختلاف زمان‌ها و گرایش‌ها لحاظ کنیم. این مبانی مشترک می‌توانند انسان‌شناسی مشترک، روش‌شناسی اثباتی، تأثیر از مکتب‌ها و نظریه‌های اجتماعی، و تأثیر از واقعیت خارجی و امثال آن باشند. عنوان دیگری که در کنار حقوق اقتصادی عرصه دیگری از ترابط حقوق و اقتصاد را به نمایش می‌گذارد، «تحلیل اقتصادی حقوق» است. تحلیل اقتصادی حقوق سه اقدام جداگانه، اما مرتبط با هم است:

۱. کاربرد اقتصاد برای پیش‌بینی اثرهای قوانین؛

۲. به‌کارگیری اقتصاد برای تدوین قوانین کارآمد؛

۳. به‌کارگیری اقتصاد برای پیش‌بینی قوانین مصوب در آینده.

اقتصاددان، در فکر کارایی بازار است و حقوق‌دان سخن از عدالت و انصاف می‌گوید. اقتصاددان بررسی می‌کند که اقدامات حقوقی چه آثاری را در عرصه اقتصاد بر جای می‌گذارد. در مثال مهلت سه ماهه به مستأجران بعد از اتمام زمان اجاره، در ظاهر به نفع مستأجران و در عمل به نفع مالکان است. چون محدودیت عرضه موجب بالا رفتن قیمت کالا می‌شود.

اثر حقوق بر نظام اقتصادی به حدی است که به تعبیر شهید آیت‌الله صدر، اگر قانون مدنی کشوری را ملاحظه کنیم، می‌توانیم تشخیص دهیم نظام اقتصادی حاکم بر آن جامعه از نوع سرمایه‌داری، سوسیالیستی یا غیر آن است. نظام اقتصادی در فضای حقوقی شکل می‌گیرد. برای بهره‌گیری از فقه در کشف مکتب اقتصادی باید از احکام متعدد جزئی نظریه عمومی و قاعده اساسی را کشف کرد. چون حقوق ما به خصوص از فقه اخذ شده است. حقوق بدون فقه، قوانین خشک و بی‌روح و تحرک و تاریخ و مبنا و بنا و هدف‌گیری و استنباط و اجتهاد خواهد بود. علاوه بر آن، مبدأ مشروعیت حقوق حسب اصل چهارم قانون اساسی فقه متکامل و مترقی ماست.

تحلیل اقتصادی اسلامی به سبب اعتراف روشن آن به تأثیر عوامل فرهنگی و محیطی و به سبب وجود مقوله‌هایی از وحی آسمانی قادر است پدیده‌های اقتصادی را که تحلیل اقتصادی مادی محض از تفسیر آن‌ها ناتوان است، تفسیر کند. از جمله این امور تبرع، دیگرخواهی و ایثار، و حب وطن و کشته شدن در راه خدا اطاعت از آموزه‌های قانونی و دینی حتی اگر اطاعت‌کننده در وضعیتی باشد که قانون یا ناظر به وی دست نیابد. این‌ها و مواردی از این دست گویای نقش‌آفرینی فقه در عرصه حقوق و اقتصاد است که در ادامه بیان می‌شوند.

نظام اقتصادی چیست؟

نظام اقتصادی یکی از زیرنظام‌های نظام اجتماعی است. واژه اقتصادی اشاره به بعد خاصی از رفتارها و روابط مردم دارد که براساس محاسبه هزینه و فایده، و به منظور تأمین معاش انجام می‌گیرد. عناصر تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی عبارت‌اند از منابع، شرکت‌کنندگان، فرایندها و نهادها، منابع شامل زمین، منابع طبیعی، آب‌وهوا، ویژگی‌های زیستی، فیزیکی، شیمیایی اشیاء و ابزارهای تولید ساختمان‌ها، کارخانه‌ها، وسایل حمل‌ونقل و ارتباطات، کتاب‌ها، ذخایر پولی، سرمایه انسانی، مهارت‌ها و اطلاعات انباشته‌شده فناوری و به طور کلی، مجموع دارایی‌ها و ثروت‌های طبیعی و غیرطبیعی یک ملت که با گذشت زمان تغییر می‌کنند و با پیشرفت کشفیات و اختراعات، افزایش می‌یابند.

شرکت‌کنندگان؛ مردمی که به صورت افراد و گروه‌ها ملاحظه می‌شوند، بنگاه‌ها، خانوارها و دولت.

فرایند؛ فرایند عملکرد نظام اقتصادی را از طریق اطلاعات تصمیم‌سازی و نتایج را اعمال می‌کند. فرایند تولید، توزیع، تغییر قیمت، بیکاری و امثال آن.

نهادها؛ نهادها الگوهای پیوند شرکت‌کنندگان با یکدیگر است. الگوها از طریق قواعد قانونی مجازات‌های اجتماعی، نظام اعتقادی و فرهنگی تثبیت می‌شوند (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۲۸).

تعامل حقوق، اقتصاد و فقه

هیچ برنامه و نظام اقتصادی جدا از زیرساخت‌های حقوقی آن تصورشدنی نیست. همان‌طور که سیاست‌های اقتصادی در شکل‌گیری و تحول قواعد حقوقی بسیار مؤثرند، حقوق اقتصادی و تحلیل اقتصادی حقوق به عنوان دو جلوه بارز تعامل حقوق و اقتصاد در سال‌های اخیر مورد توجه محافل علمی و حرفه‌ای قرار گرفته است. بسیاری از درس‌های حقوق اقتصادی ما مثل حقوق رقابت و حقوق عمومی بازارهای مالی از نظر محتوا در برگیرنده نظریه‌های اقتصادی است و درک صحیح از ماهیت و حدود آن‌ها مشروط به نوعی دانش اقتصادی است. ریشه‌یابی فقهی عناوین حقوقی و اقتصادی ارتباط علمی و راهگشای این دو رشته را به‌ویژه در حل معضلات نظام جمهوری اسلامی با توجه به اصل ۴ قانون اساسی هم امری علمی است، هم ضرورتی اجرایی و ملی، و موجب توسعه و گسترش اسلام و فقه اسلامی در عرصه‌های حساس حیات اجتماعی خواهد شد.

مکتب اقتصادی بدون بهره‌گیری از تحقیقات علمی اقتصادی قادر به حل مشکلات اقتصادی جامعه نیست. بلکه به کمک علم اقتصاد و با سیاست‌گذاری درست اقتصادی می‌توان سیاست‌های مطلوب را گسترش داد و از فعالیت‌های نامطلوب جلوگیری کرد (صدر، ۱۳۷۹). مهلکاتی مثل بیکاری، تورم، فقر، گرانی، رباخواری، اتلاف و اسراف، و مبیقاتی مثل انفاق، وقف، قرض‌الحسنه و صدقات را می‌توان از طریق راه حل‌های عمومی علم اقتصاد اعمال کرد و به نتیجه رساند. علم اقتصاد متعارف را می‌توان بر آموزه‌های مکتب مبتنی کرد و پیش برد.

فقه و حقوق اقتصادی، مبنا و هدف

مبنای فلسفی فقه و حقوق اقتصادی به عنوان مبنای اقتصاد اسلامی در حقیقت تلقی توحیدی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی حقوقی است. توحید در ذات و در صفات و در فعل از مباحث کلامی نفیس معارف اسلامی است. به عبارتی، انعکاس این مباحث در تدوین نظریه‌های اقتصادی در مقابل دو مکتب اقتصادی سرمایه‌داری و مارکسیسم، حوزه این مبحث است.

رابطه خداوند با طبیعت و به تعبیر درست، عالم خلقت رابطه خالقیت (انعام/ آیه ۱۰۱)، ربوبیت (انعام/ آیه ۱۶۴) و مالکیت (آل عمران/ آیه ۱۰۹)، احاطه (نساء/ آیه ۱۲۶) و قیمومیت (بقره/ آیه ۲۵۵) است.

علاوه بر هدایت تکوینی جهان آفرینش که انسان را نیز به عنوان یکی از اجزای آفرینش در بر می‌گیرد، گل سرسبد خلقت از هدایت ویژه تشریحی برخوردار است (طه/ آیه ۵۰؛ جمعه/ آیه ۲) و رابطه رازقیت حضرت حق با او جایگاه ویژه‌ای را دارد (آل عمران/ آیه ۲۷).

روشن است رازقیت منافاتی با نقش کار، تلاش و تدبیر انسان در دستیابی به روزی ندارد، زیرا خداوند متعال از طریق اسبابی که در هستی قرار داده است روزی بندگان را تقدیر می‌کند چنانکه با نظام علی و معلولی جهان منافاتی ندارد. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«ابا الله ان یجری الاشیاء الا باسباب فجعل لكل شیء سبباً و جعل لكل سبب شرحاً و جعل لكل شرح علماً و جعل لكل علم باباً ناطقاً عرفه من عرفه و جهله من جهله ذاک رسول ا... (ص) و نحن.» (ری شهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۲۲۷).

خداوند عالم امور هستی را جز از طریق اسباب جاری نمی‌کند. خداوند برای هر چیزی سببی و برای هر سببی حکمی و برای هر حکمی دانشی و برای هر دانشی باب گویایی قرار داده است که می‌شناسد او را هر که می‌شناسد و آنکه نادان است از آن آگاه نیست. این باب گویا پیامبر خدا (ص) و ما اهل بیت هستیم.

البته علل منحصر به علل مادی نیست، در جهان‌بینی الهی عوامل معنوی به اندازه‌ی علل مادی، و حتی بیشتر از آن در روزی انسان‌ها نقش دارد. در تعیین سرنوشت انسان از جمله روزی، عواملی مثل دعا، صدقات، تقوی و اطاعت از خداوند متعال بسیار مؤثرند. غیب و شهود در تصرف مطلق حضرت حق جل و علا است.

به نظر برخی صاحب‌نظران، اقتصاددان لیبرال در تنظیم نظریه اقتصادی از اندیشه غالب خویش متأثر است و بسته به اینکه عقل را در کنار وحی مطرح کند یا آن را بالاتر بداند، یا اینکه با توهم انکار خداوند و لا ادریگری و شکاکی نوعی پرستش طبیعت را مبنای نظریه‌های خویش قرار دهد، نظریه‌ها را نیز بر همین مبانی تنظیم می‌کند. از این جهت، مبنای نظری نظام اقتصاد سرمایه‌داری

لیبرال و نظام اقتصاد اسلامی متفاوت است. شاهد بروز آن شعارهای جنبش اشغال وال استریت که علیه اقلیت حاکم سرمایه‌داری در غرب شکل گرفته است که گفتند و نوشتند: «سرمایه‌داری یک دین است.» (The capitalism is a religion).

چنانچه برخی علما بیان کرده‌اند: «اعتقاد به مادیت و شرک، سنت‌های اجتماعی را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که با لذت‌ها و کمال‌های محسوس و مادی همراه باشد و به رضایت هوی یا بت‌های مختلفی که انسان در زندگی مادی خود برای خویش تراشیده است، بینجامد، اما اعتقاد به خداوند سبحان و توحید الهی به شکلی سنت‌پردازی می‌کند که هم سعادت دنیا را تأمین می‌کند و هم سعادت آخرت را به ارمغان آورد، زیرا بر پایه رضایت الهی استوار است.»

تکیه این کلام متکی است به نظر حضرت علامه طباطبایی در میزان که «فان المذاهب المختلفه مؤثره فی خصوص السنن المعمول بها فی المجتمعات ... فصور الحیاة الاجتماعیه تختلف باختلاف الاصول الاعتقادیه فی حقیقه العالم» (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۶، ص ۱۹۲ و ۱۹۱).

عنایت به اقتصاد

بررسی آیات و روایات و فقه اسلامی عنایت آیین اسلام را به اقتصاد روشن می‌کند زیرا مال یک ودیعه الهی تلقی می‌شود، به دو آیه زیر توجه کنید:

و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ (حدید/ آیه ۷)

«از آنچه خداوند شما را نماینده خویش در آن شناخته انفاق کنید.»

ولا تؤتوا السفهاء اموالکم اللتی جعل ... لکم قیاماً (نساء/ آیه ۵)

«به افراد سفیه اموال خود را که خدا آن را برای شما مایه برقراری زندگی قرار داده است،

ندهید.»

یا در روایت آمده است:

نعم العون علی تقوی ... الغنی. بی نیازی وسیله خوبی برای تقوی است و نعم العون الدنیا علی الاخره. دنیا کمک خوبی برای آخرت است و نیز غنی یحجزک عن الظلم خیر من فقر یحملك علی الاثم.

بی‌نیازی که تو را از ستم باز دارد، بهتر از فقری است که تو را بر گناه وادار کند (حر عاملی، ج ۱۷، احادیث ۱ و ۲ و ۷، به نقل از سبحانی، ۱۳۷۸، ص ۳۸).

دعوت به کار و کوشش دعوت اکیدی است. امام هشتم فرمودند: الذی یطلب من فضل... ما یکف به عیاله اعظم اجراً من المجاهد فی سبیل... (حر عاملی، ج ۱۲، باب بیست‌وسوم، حدیث ۲، ص ۴۳). آن کس که برای تأمین زندگی خانواده خویش تلاش می‌کند، از مجاهد در راه خدا ارزشمندتر است.

اولیاء دین خود پیشگام در تلاش و کوشش بودند. امام موسی بن جعفر (ع) در زمین خود مشغول کار بودند و از شدت کار و یا گرمی هوا پاهای مبارکش در عرق فرو نشسته بود، یکی از دوستان امام به حضرت بیان کرد چرا این کار را به دیگری واگذار نمی‌کنید؟ حضرت فرمودند: «ان رسول... و امیر المؤمنین و آبایی کلهم کانوا قد عملوا بایدیهم و هو من عمل النبیین و المرسلین و الاوصیاء و الصالحین»

همان‌طور امام صادق علیه السلام هنگامی که بیل به دست می‌گیرند و عرق می‌ریزند و در این زمینه از حضرتشان سؤال می‌شود، می‌فرمایند:

انی احب ان یتأذی الرجل تحت الشمس فی کسب المعیشه. من دوست دارم که مرد در کسب روزی زیر آفتاب سوزان ناراحت شود (حر عاملی، بی‌تا، ۲۳/۱۲، باب ۹، حدیث ۷).

در اقتصاد اسلامی انگیزه‌های شخصی بر کار و کوشش در افراد تا حدود زیادی حفظ شده است و هرگز مانند سوسیالیسم یا کمونیسم، با الغای مالکیت خصوصی یا شخصی شوق کار و کوشش را در افراد نابود نمی‌کند و از طرف دیگر، آثار نامطلوب مالکیت شخص موجود در نظام‌های سرمایه‌داری را از بین می‌برد و آن مالکیت شخصی را به رسمیت می‌شناسد که مزایای مالکیت شخصی را دارد و آثار نامطلوب آن پیراسته است.

برای همین جهت منابع طبیعی ثروت را در خشکی و دریا به دولت اسلامی متعلق می‌داند و هیچ کس را مالک اختصاصی آن‌ها نمی‌شناسد. درباره اینگونه اموال با عنوان «لا انفال» در اقتصاد اسلامی بحث می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۸، ص ۵۱).

هدف نظام اقتصادی اسلام

هدف غایی همه نظام‌های اسلامی فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت رشد و تکامل انسان به سوی خداوند متعال است. رفتار اقتصادی طوری سامان یافته است که همزمان دو اثر اقتصادی و معنوی داشته باشد، مثلاً در زمینه زکات و خمس قصد قربت شرط شده است؛ هدف اقتصادی، تأمین حق و بخشی از مخارج دولت و توزیع مجدد درآمدهاست و هدف معنوی بخشیدن روح الهی به کار است. هدف غایی نظام سرمایه‌داری دستیابی بیشترین افراد به بیشترین لذت مادی است.

هدف غایی نظام عام اسلامی دستیابی بیشترین افراد به بالاترین مرتبه عبودیت و تقرب به خداوند است و توسعه به مفهوم عام آن با توسعه اقتصادی برابر نیست بلکه ابعاد دیگری مانند توسعه فرهنگی و سیاسی و غیره را نیز در بر می‌گیرد به گونه‌ای که هر یک به‌طور مستقل، اهمیت و جایگاه خاص خود را دارد. در این میان آنچه به تربیت و اخلاق مردم مربوط می‌شود اهمیت والایی دارد. بر خلاف نظام‌های مادی در بینش اسلامی سعادت انسان با رفاه مادی‌اش برابر نیست. انسان سعادت‌مند انسانی است که در سیر تکامل خود به سوی خداوند متعال به بیشترین توفیق دست یافته است.

در بینش سرمایه‌داری عدالت اقتصادی به مفهوم اسلامی‌اش (رفاه همگانی و توازن) مبنای فلسفی و منطقی ندارد آنچه مهم است در مجموع، کل لذت در جامعه است. حتی اگر گروهی اندک بخش عظیمی از این لذت را به خود اختصاص دهند (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵).

خلاصه، انسانی که در نظام سرمایه‌داری رشد می‌کند، انسان یک بعدی است و فقط خود را می‌بیند تا جامعه را. فاصله طبقاتی و حشمتناکی در دل آن نظام پدید می‌آید که جهان را به صورت بلوک غنی و فقیر، ستمگر و ستمکش، خوشبخت و بدبخت که یکی همه چیز دارد و دیگری هیچ ندارد، در می‌آورد و برای حفظ نظام خود از راه‌انداختن جنگ‌ها و نبردها در میان ملت‌های عقب‌مانده و تحمیل حکومت‌های دست‌نشانده خود به ملت‌های ضعیف چاره ندارد.

در نظام سوسیالیسم هم هر سه بعد قدرت، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و قدرت نظامی در یک جا متمرکز می‌شود. این‌ها همه ضرورت تقویت قرائت فقهی حقوق اقتصادی به عنوان سرپل

اقتصاد جامع اسلامی را در پاسخ بحران‌های دو نظام اقتصادی جاری، که دیگر کوس رسوایی و اعتراض‌های ملی درباره آن به کوچه و برزن و خیابان رسیده است، بر کل جهان روشن و روشن‌تر می‌شود.

روش تحقیق

چون دامنه موضوع هر علم ثابت نیست، یا با علوم دیگر مشترک است، امروز معارف بشری با روش استنباط آن‌ها معرفی و ممتاز می‌شوند. معروف است که تحقیق در علوم با فرضیه آغاز می‌شود ولی بسیاری معتقدند که علوم انسانی با سؤال شروع می‌شود. اصولی به عنوان اصل موضوعه لحاظ می‌شود و با مشاهده و کاوش، گردآوری صورت می‌گیرد و براساس الگوی پیش رو به داوری می‌کند. با این روش معمول نیز در مرحله الگوگیری مبانی مکتبی می‌تواند مؤثر باشد. برای مثال الگویی برای توضیح دادن این آموزه قرآنی که صدقات موجب رشد و توسعه و ربا باعث رکود است، رابطه مشاهده‌شدنی به دست می‌آورد و به داوری می‌نشیند.

روش تحقیق در علوم دستوری مثل حقوق، با روش تحقیق معمول ظاهراً عموم و خصوص من وجه‌اند و مقایسه نظریه‌پردازی در علوم با اجتهاد در فقه نیز تحقیق مجزایی را می‌طلبد. امر محوری در اجتهاد کشف منظور نظر شارع است که با کوششی عالمانه و روشمند از طریق ارائه سؤال‌های فرعی به اصول القاشده از ناحیه پیشوایان مکتب و با استناد به منابع چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع محقق می‌شود. علوم انسانی در مرحله موضوع‌شناسی نقش مهمی را ایفا می‌کند. به هر حال، در پروسه تحقیق مکتب و علم می‌تواند و باید با هم تعامل داشته باشند. استفاده علم از مکتب یکی در مرحله الگوسازی است. چون بدون تبعیت از مکتب فلسفی نمی‌توان الگوسازی کرد. در رابطه علمی بین عوامل درون‌زا (سلیقه در اقتصاد) و برون‌زا (امکانات) نیز مکتب مؤثر است. نوع هستی مورد مطالعه حقیقتی اعتباری است آیا این اعتبار بر حقایق متکی است. در اینجا اصول موضوعه و معرفی حسن و قبح مکتبی، قالب‌هایی مثل تمرکز یا عدم تمرکز بازار و مسئله جایگاه رفاه و تعادل اجتماعی مکتب مؤثر است و استفاده مکتب از علم نیز جایگاه خویش را دارد. برای مثال در علم اقتصاد، اقتصاد تابع سلیقه و امکانات است و مکتب

جهت‌دهنده سلیقه. امکانات در اقتصاد مؤثرند و قوانین مالیاتی و رعایت رفتار نیک (عدم اسراف) اثر مکتب در علم است. بالاخره، تحلیل ابزارها و سیاست‌های علمی می‌توانند برای پیشبرد و پیاده‌کردن اهداف مکتب کمک شایانی را انجام دهند.

اقتصاد اسلامی رابط فقه، حقوق و اقتصاد

اقتصاد اسلامی که از شکل‌گیری آن حداکثر ۶۰ سال می‌گذرد، از ابتدا با بحث حقوقی آغاز شد، ممنوعیت ربا که امری فقهی - حقوقی است، مانعی برای اجرای بانکداری متعارف در محیط‌های اسلامی شد. این امر ارتباط عمیق اجرای اقتصاد و تحقق نهادهای اقتصادی در کشورهای اسلامی با قوانین شرعی را نشان می‌داد. اندیشمندان به دنبال بانکداری غیرربوی یا اسلامی برآمدند. بحث نظام اقتصادی اسلام و تفاوت آن با نظام اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی، به‌طور عمده، به مباحث مکتبی بر می‌گشت. محدوده آزادی فعالیت افراد، محدوده مالکیت خصوصی و دولتی، جایگاه دولت در اقتصاد و مانند آن، همگی با حقوق و فقه اقتصادی ارتباط داشت. اثر حقوق بر نظام اقتصادی به حدی است که به تعبیر شهید صدر، اگر قانون مدنی کشوری را ملاحظه کنیم می‌توانیم تشخیص دهیم نظام اقتصادی حاکم بر آن جامعه از نوع سرمایه‌داری یا سوسیالیستی یا غیر آن است (صدر، ۱۴۱۷، ص ۳۷۲-۳۶۵). رژیم اقتصادی قواعد قانونی است که در بطن یک نظام اقتصادی مناسبات افراد انسان را با اموال و با افراد دیگر مشخص می‌کند. پذیرش مالکیت فردی بر ابزار تولید و جواز تجارت و انتخاب شغل باعث خلق نظام اقتصادی غیرسوسیالیستی می‌شود. بنابراین، نظام اقتصادی در فضای حقوقی تحقق می‌یابد. البته نظام حقوقی و رژیم مالی هم با لحاظ باورها، دیدگاه‌ها و امکان اجرای قانون تدوین می‌شود (نمازی، ۱۳۸۲، ص ۴۰). عمده مطالعات اقتصاد اسلامی بر محور مباحث مکتبی شکل گرفته است و در صدد تفاوت‌های نهادی با مکاتب دیگر اقتصادی است و هنوز مطالعات علم اقتصاد اسلامی به معنای بررسی تجربی، گسترش زیادی پیدا نکرده است. همان‌طور که در قرن‌های ۱۷، ۱۸ و ۱۹، و مباحث اقتصادی اروپا بر مباحث مبنایی و اقتصاد سیاسی دور می‌زد و پیرامون حدود دخالت، مالکیت، بهره و مانند آن بحث و جدل رخ می‌داد و پس از آن علم اقتصاد در فضای تحقق نهادهای حقوقی گسترش

یافت و امور حقوقی و نهادها مفروض گرفته می‌شد. در حال حاضر هم به دلیل اینکه در کشورهای اسلامی نهادهای حقوقی مناسب شکل نگرفته است و قوانین و مقررات به صورت اسلامی نیست و التزام به عمل به آن هم گسترش نیافته است، به صورت محدود، می‌توان کارکرد تجربی آن را مشاهده کرد و به‌طور علمی اثر متغیرهای اقتصادی را نشان داد. البته می‌توان به‌طور تدریجی با به‌کارگیری مشاهده آثار وضعیت موجود شرایط را برای بهبود و حرکت به سوی جامعه‌ای با قوانین اسلامی‌تر مهیا کرد.

تجربه اقتصاد سرمایه‌داری که در یک دوره طولانی جریان غالب در اقتصاد جدایی مباحث نهادی و حقوقی و اقتصادی بود و هم اکنون با توجه به تعدد جوامع، سنت‌ها، ارزش‌ها و نهادهای شکل گرفته، معلوم شده است اگر بدون توجه به این امور در صدد بهره‌گیری از علم اقتصاد باشیم دچار انحراف بزرگی می‌شویم و به هیچ وجه نمی‌توان اثر متغیرهای اقتصادی را که در یک کشور اروپایی با نهادهای خاص دیده شده است، به کشور آفریقایی که فاصله زیادی از نظر نهادی دارد، سرایت داد. اقتصاد اسلامی از ابتدا در مباحث بنیانی و حقوقی با جریان اقتصاد غالب تعارض پیدا کرد، از این رو، باید مواظبت کرد که به تجربه تلخ سرمایه‌داری گرفتار نشود و به‌طور دائم، ارتباط مباحث نهادی، حقوقی و اقتصادی مد نظر باشد. بنابراین، اثر نهادهای حقوقی بر متغیر اقتصادی را نباید نادیده گرفت و نقش آن در شفاف‌سازی بازار و عملکرد مثبت آن را باید ملاحظه کرد. دیدگاه‌های مختلفی که در مباحث مالکیت، حیطه دخالت دولت، آزادی اقتصادی و روش آن وجود دارد و اجتهادات جدید پیرامون آن همگی در تغییر شکل نظام اقتصادی مؤثر است.

در اقتصاد اسلامی نیز می‌توان از تحلیل اقتصادی قوانین و حقوق و فقه بهره‌گیری کرد، هم برای تدوین مقررات، متغیر جدید آثار را بررسی کرد و هم برای درک بهتر آثار مقررات ثابت شرعی از آن سود برد. احتمال دارد با بررسی آثار معلوم شود موضوع تغییر کرده است و باید حکم تغییر کند. در واقع، آثار مختلف یک نظریه فقهی می‌تواند به صاحب نظریه کمک کند تا دریابد این حکم مطابق خواسته شارع است یا خیر. از این روش می‌توان آثار غیراقتصادی مثل آثار تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و جز آن را نیز بررسی کرد. یکی از ابعاد تشخیص مصلحت دینی در زمینه قوانین اجتماعی، توجه به آثار مختلف است. همان‌طور که در تدوین قوانین، حاکم شرعی می‌تواند

از میان اجتهادات گوناگون که همه بر اساس روش صحیح شکل گرفته‌اند، موردی را اجرایی کند که آثار مفیدتر برای جامعه داشته باشد. در هر صورت توجه به آثار، حداقل تأییدی بر انتخاب است (ر.ک. رضایی، ۱۳۸۶). گسترش علوم میان‌رشته‌ای کمکی مهم به متخصصان هر رشته می‌کند تا بازخورد نظریه خود را مشاهده کند و صحت و سقم آن را از راه بررسی آثار آن تشخیص دهد. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت حقوق و اقتصاد به عنوان دو رشته علمی از مجموعه علوم انسانی ریشه‌های مشترک هم در روش‌شناسی و هم موضوعات دارند. این دو در سال‌های زیادی با هم بررسی می‌شدند، هر دو برای گسترش عدالت در زمینه‌های بازار یا عملکرد دولت و مالیات‌بندی تلاش می‌کردند. به تدریج که اقتصاد علمی شکل گرفت و به جنبه‌های واقعی و قوانین طبیعی توجه جدی کرد و هستها و بایدها از هم جدا شدند و مباحث ارزشی و اثباتی به‌طور جدی تفکیک جدی شد و نظریه‌های نئوکلاسیک در تقابل با نظریه مارکسیسم که به جنبه‌های ارزشی هم توجه داشت، فقط به مباحث اثباتی تکیه کرد و اقتصاد را مانند فیزیک علم تجربی دانستند که متأثر از رفتارهای واقعی و برگرفته از آن است، از این جهت، همان‌طور که برای کشف روابط فیزیکی به هیچ امری جز تجربه خالص احتیاج نیست در اقتصاد هم این گونه شد. اشتباه این دیدگاه کم‌کم معلوم شد، زیرا رفتار انسانی متأثر از امور بسیاری است و فضای حاکم بر رفتار انسان متشکل از امور مختلفی مثل جامعه، سیستم اجتماعی امور روانی، تاریخی فرهنگی و ارزشی است. مباحث علمی اقتصاد که به‌طور قیاسی یا تجربی مطرح شده‌اند، در فضای خاص آثار خود را به جا می‌گذارد، و قوانین حاصل از تجربه نمی‌تواند در همه محیط‌های متفاوت نتیجه واحد بدهد.

اقتصاد معارض با نئوکلاسیک مثل مکتب تاریخی، مکتب نهادی در طول قرن‌های ۱۹ و ۲۰، و مکاتب اقتصاد دینی در قرن ۲۰ با رشد بسیار نشان‌دهنده نیاز به دیدگاه‌های مکمل و ناقص بودن نظریه‌های اقتصادی است. از جمله مهم‌ترین امور اثر قوانین و مقررات حقوقی و عدم شفافیت آن در ایجاد هزینه مبادلات و عامل مؤثر بر شکل‌گیری نهادهای اقتصادی و اجتماعی است (ر.ک. نمازی و دادگر، ۱۳۸۵، ص ۲۱، ۵۰ و ۲۴۷).

نگاه متفاوت دین به اقتصاد و وسیله انگاشتن آن از جهان‌بینی و ایدئولوژی دینی گرفته شده و

هدف اقتصاد را روشن می‌کرد. کیفیت مالکیت منابع طبیعی از مسائل اساسی بود که جایگاه دولت و بخش خصوصی را روشن می‌کرد. وظایف حقوقی متعددی که بخش دولتی در قبال بخش خصوصی و مردم داشت، تفاوت اساسی با آنچه در اقتصاد مرسوم بود پیدا کرد. آنچه به عنوان اقتصاد اسلامی تدوین شد ترکیبی از مبانی ارزشی و بینشی، فقهی و حقوقی بود. در واقع، تأکید بر این امور فضای رفتاری فرد مسلمان را روشن می‌کرد و نشان می‌داد که این فضا تفاوت آشکار با فضای حاکم بر اقتصاد مرسوم دارد.

به‌کارگیری مشاهدات تجربی برای کشف روابط اقتصادی بی‌شک لازم و بایسته است. ولی تفاوتی عظیم میان کشف روابط علمی فیزیکی از مشاهدات مادی و کشف روابط علم انسانی از مشاهدات است. گرچه در زمینه فیزیک هم در وجود مشاهده خالص تردید است، ولی میزان خطا پایین است ولی در زمینه علم انسانی هر رفتار خارجی متأثر از درون انسان و محیط اجتماعی است. باور، اخلاق، حقوق حاکم بر اجتماع، امور فرهنگی و غیر آن، همه در شکل‌گیری رفتار مؤثر است و امور حقوقی روابط انسانی را نظم می‌دهد. بنابراین، ضمن توجه به تفاوت نگاه اقتصاد و حقوق هر یک در فضای دیگری تنفس و رفتار را تفسیر می‌کند. همچنین، می‌توان از تحلیل اقتصادی قوانین و حقوق و فقه برای تدوین مقررات متغیر جدید و برای درک بهتر آثار مقررات ثابت شرعی از آن سود برد. بر این اساس چند پیشنهاد مطرح می‌شود.

به‌کارگیری اقتصاد برای تحلیل آثار قوانین و تدوین بهترین قانون امر بایسته و مناسبی است و این امر در اقتصاد اسلامی نیز در زمینه قوانین متغیر و حکومتی و حتی حکمی که در ظاهر ثابت است، قابل استفاده است. گسترش اقتصاد اسلامی نیازمند بهره‌گیری کافی از فقه اسلامی برای تبیین نهادهای حقوقی است. گسترش فقه اقتصادی کمک شایانی به اقتصاد اسلامی خواهد کرد.

برای تحقق الگوی اقتصاد اسلامی واحد میان کشورهای اسلامی در مقابل اقتصاد سرمایه‌داری از نظر نظری می‌توان بر فقه اسلامی مشترک تکیه کرد، گرچه در مقام عمل بر الگوی جزئی‌تر مطابق مذهب فقهی خاص تکیه می‌شود.

این نظریه در مقابل نئوکلاسیک شیکاگو مطرح است. نورث می‌نویسد نظریه نهادها باید فعالیت خود را با «تغییر فرض عقلانیت ابزاری» آغاز کند. ویلیامسون در حوزه اقتصاد خرد و

نورث در حوزه اقتصاد کلان اصطلاحاتی مثل موقعیت انحصار دوجانبه (ریشتر، ۱۳۸۷، ص ۶۳) و اقتصاد هزینه معامله که در آن اجرای قانونی Legal enforcement و خوداجرایی Eelf-enforcement مکمل یکدیگرند. پیشنهاد این است که کمتر شبیه یک فیزیکیان و بیشتر شبیه یک پزشک فکر کنیم. اقتصاد نهادی جدید تحلیل حقوق مالکیت، اقتصاد هزینه معامله، نظریه قرارداد و رویکرد نهادی جدید در تاریخ را در بر می‌گیرد.

سنتز حقوق و اقتصاد حسب قرائتی که ما بر مبنای فلسفه فقه و حقوق آسمان و زمین خودمان داریم ته فقط سنتز است بلکه به تعبیر بهتر یک ترکیب ضروری و علمی است. چون کلمه سنتز تداعی نوعی تضاد می‌کند که در کلمه ترکیب نیست. اگر تخالفی هم هست بدوی و ابتدایی است و با تأمل عالمانه ترکیب، ترکیبی طبیعی و ضروری به نظر می‌رسد که مبتنی بر فقه جامع و مترقی و متکامل امامیه به تعبیر رسای امام راحل و عظیم الشان در کتاب ولایت فقیه است و می‌تواند فضای مباحث اجتهادی فقهی را گسترش دهد و فقه در عرصه‌های مختلف تحلیل‌های حقوقی و اقتصادی حاضر، حضوری مؤثر و راهگشا و علمی و استراتژیک داشته باشد و راه حل‌هایی تاریخ‌ساز برای کشورمان و کشورهای اسلامی و اقتصاد جهانی مطرح کند، که دور نیست. در این جا می‌توانیم برای مثال، از قاعده نفی اسراف یا قاعده اقتصاد به عنوان قاعده‌های فقهی صاحب اثر در حقوق و اقتصاد را یاد کنیم و نه تنها یک نظریه ذهنی که کارآور عرصه اجتماعی با ایجاد رشته فقه و حقوق اقتصادی مبتنی بر آن و لحاظ سرفصل‌های پیشنهادی برای درس‌های بی‌شمار آن را ملاحظه و لحاظ کنیم.

نظریه ترابط و تولید رشته تحصیلی فقه و حقوق اقتصادی

دانش‌آموختگان حوزه و دانشگاه سرمایه‌های انسانی نظام اسلامی محسوب می‌شوند که نقش بسزایی در توسعه افقی و عمودی کشور را دارند. از این جهت، وقت گذاشتن فضلا و استادان دو معهد علمی حوزه و دانشگاه (به‌ویژه کسانی که سابقه تحصیل و تحقیق در این دو حوزه معرفتی را دارند) برای برنامه‌های درسی و رشته‌های تحصیلی تلفیقی موجب کارآمدی و اثربخشی بیشتر و بهتر این سرمایه معنوی و ملی اسلامی است.

به هر حال، طراحی و اجرای رویکرد تلفیقی به‌ویژه در برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی از جمله مباحث حقوقی و اقتصادی و ترابط آن‌ها با فقه، نقش اصلی در توسعه علمی و اجرایی کشور و سرعت‌بخشی به نهضت نرم‌افزاری، به‌ویژه در علوم انسانی و حل مشکلات و مسائل فراروی عرصه‌های علمی و اجرایی کشور ایفا خواهند کرد.

بر این اساس، سرمایه‌گذاری در شناسایی، جذب، تربیت و ارتقای افراد در هر رشته تلفیقی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری و تمرکزشان بر مسائل ناظر بر طراحی‌های آموزشی راه مؤثری جهت برون‌رفت از رکود فعلی و پویایی و تحول و نوآوری رشته‌های علمی فراهم خواهد کرد و کمبودهای دهه‌های گذشته در مسیر رشد و پویایی انقلاب اسلامی در دستیابی به اهداف عالی آن در نهضت نرم‌افزاری مورد تأکید مقام معظم رهبری و آرمان‌های ملت عظیم‌الشان ایران اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام راحل و عالی‌مقام جبران خواهد کرد و چنین باد.

اکنون مهم این است که چگونه امور آموزش و پژوهشی را تلفیق و ترکیب کنیم تا بتوانیم به چنین مقصدی نایل شویم. در صفحات آتی انواع و اقسام ترکیبات را مورد مطالعه و مذاقه قرار می‌دهیم و آنگاه رشته طراحی شده فقه و حقوق اقتصادی را که فعلاً به منظور اجرا در پردیس قم دانشگاه تهران مراحل تصویب نهایی و اجرای خود را می‌گذرانند، معرفی می‌کنیم. از جهت نظریه‌های مختلف تلفیق در سطح استانداردهای دانشگاه‌های مطرح دنیا را مطالعه می‌کنیم.

چرایی تلفیق

عوامل ظهور رویکردهای تلفیقی و نظام‌های غیررشته‌ای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: پیچیدگی پدیده‌های انسانی و ابعاد گوناگون و ناشناخته وجود انسان، و روش‌هایی که در بررسی عوامل برون‌ی و محیطی مؤثر در زندگی انسان و ضرورت بحث از موضوع معین در هر علم که وجه امتیاز آن با علوم دیگر است و لازمه پاسخگویی به نیازهای چندوجهی حیات اجتماعی انسان، برنامه‌ریزان و طراحان آموزشی را بر آن داشت تا با تلفیق علوم مختلف به یافته‌های جدیدی جهت پاسخگویی شایسته مسائل چندوجهی دست یابند.

آثار تخصص‌زدگی در علوم مثل دگماتیسم و فانتسیسم، جزئی‌نگری و یکسونگری ناشی از

تقطیع علم، اصالت وضع به نگاه به وضعیت و مسئله وحدت ذاتی علوم و عدم دستیابی به هدف‌های چندوجهی و بالاخره، نبود مقدمات لازم برای انتقال علوم به موقعیت‌ها و نظام‌های گوناگون، همه و همه با صدای بلند ضرورت طراحی برنامه‌های غیررشته‌ای را فریاد می‌کنند. نیاز بشر امروز به تولید علم مطلوب و نافع و عاری از مشکلاتی که یا ناشی از نقص معرفتی شایسته درون علمی، یا ناآگاهی از پیچیدگی حوادث مسائل جاری است، خواه جریانات مسیحی یا پست مدرن باشد که ناشی از نشناختن درست از انسان مدل فطری و طبیعی است، یا حتی جریان‌های اسلامی که در مقام تعریف و تبیین درست واقعیت‌های متحول اجتماعی و دفع شبهات جدید هستند (عادل پیغامی، ۱۳۸۷، برداشت آزاد).

انواع رویکردهای تلفیق

رهیافت‌های طراحی برنامه‌های درسی به دو دسته رهیافت‌های رشته‌ای و رهیافت‌های غیررشته‌ای تقسیم‌بندی می‌شوند (قورچیان، ۱۳۷۴).

رهیافت‌های طراحی در برنامه‌های درسی:

۱. رهیافت رشته‌ای (Disciplinary approach)

۲. رهیافت‌های غیررشته‌ای (Non-disciplinary approach):

الف) تلفیق با محوریت رشته‌ای:

- درون‌رشته‌ای

- میان‌رشته‌ای

- چندرشته‌ای

- چندرشته‌ای متقاطع

- چندرشته‌ای متکثر

ب) تلفیق بدون محوریت رشته یا رویکرد فرارشته‌ای

- افقی

- قائم

- مورب

توضیح عناوین رهیافت‌ها

درون‌رشته‌ای موازی

برنامه‌ی درسی درون‌رشته‌ای موازی، که از آن به جمع جبری رشته‌ها نیز یاد می‌شود، اجرای متوازی دو یا چند رشته یا برنامه‌های مجزا بر روی فردی واحد در جایگاه یادگیرنده است، محصول این برنامه دانش‌آموختگانی دو وجهی و مطلع از هر دو حوزه معرفتی است که ترجمان خوبی برای برقراری ارتباط بین علمای دو رشته و مفاهیم دو علم هستند. لکن ارتباط عمیق و مؤثر بین رشته‌ها پدید نمی‌آید. در عین حال، نیاز امروزیین فرایند تولید علم دینی در زمینه‌های علوم انسانی است و موجب ارتقای ظرفیت دانش‌آموختگان آن‌ها در تحلیل معضلات و مسائل موجود جامعه اسلامی از دید معارف حقه اسلامی خواهد شد.

برنامه‌ریزی تلفیقی میان‌رشته‌ای (Inter disciplinarily)

برنامه‌ریزی تلفیقی میان‌رشته‌ای به‌طور کلی، رویکردی موضوع‌محور است و به‌طور آگاهانه روش، زبان و دانش سازمان‌یافته چند حیطه از دانش را در قالب یک برنامه‌ی درسی جهت بررسی موضوع‌ها و مبادی مشترکی به‌کار می‌گیرند. این موضوعات طبیعی از مفهومی‌های بسیار عام مشترک بین رشته‌ها تا مفهومی‌های خاص را در بر می‌گیرد.

درست است که تلفیق و طراحی روش‌های منحصربه‌فرد هر رشته با روش‌های احتمالاً ناسازگار یا مغایر روش‌های دیگر امری مشکل، و در پاره‌ای موارد برنامه را با ضعف طراحی و ناسازگاری درونی روبه‌رو می‌کند (Winebur grossman, 2000). این رهیافت ظرفیت خوبی برای طراحی درس‌هایی جهت مطالعه همه‌جانبه یک موضوع از ابعاد اسلامی و تربیت کارگزاران منحصر آن را دارد. مثل اقتصاد ضمان، اقتصاد تکامل، جامعه‌شناسی اسلامی توسعه و جز آن.

برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای (Multi-disciplinarily)

این نوع نیز برنامه‌ریزی «موضوع‌محور» است. رویکردی مابین درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای دارد. با این تفاوت که ترتیب موضوعات را نیاز جامعه و فرصت‌های پژوهشی تعیین می‌کند.

ظهور آن بیشتر در برنامه‌های پژوهشی است، چون همه روابط یک پدیده به ظهور جامع و در کلیت خود با ارتباط بین رشته‌های مختلف بررسی می‌شود.

در مقام اجرا استادان دوجهی با اطلاعات و دانش بالا را می‌طلبند چون ایجاد وحدت رویه بین استادان مشکل است. برای مثال از موضوعاتی مثل تبیین فقهی حقوقی و اقتصادی عقود مشارکتی اقتصاد تطبیقی قراردادهای سرمایه‌گذاری می‌توان نام برد.

برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متقاطع (Cross-disciplinarily)

این رویکرد که طراحی براساس گذر از رشته‌ها، نامیده می‌شود یک رشته در قالب الفاظ رشته‌های دیگر مطالعه می‌شود که طبعاً موضوعات آن به صورت مضاف و مضاف‌الیه با مضاف یا مضاف‌الیه از رشته دیگر مقایسه می‌شود. «مثل حقوق اساسی، اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» و با نگاه برونی به رشته و دستیابی به وصف‌های پسینی یا توجیه‌های پیشینی از آن است (Drzkopoulos, 1994)، مثل فلسفه اقتصاد اسلامی، حقوق اقتصاد اسلامی.

برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متکثر (Plural- disciplinarily)

لازمه تحقق این عنوان، همگونی مفهوم‌ها در دو عرصه علمی است، مثل اقتصاد ریاضی و به‌کارگیری ریاضی در بیان مفاهیم اقتصادی یا حقوق اقتصادی بخش خصوصی، حقوق اقتصادی بخش عمومی، قواعد فقه اقتصادی، حقوق اقتصادی خانواده و جز آن.

برنامه‌ریزی تلفیقی فرارشته‌ای (supra- disciplinarily)

در این رویکرد موارد و موضوعات درسی هر یک مدخلی جهت یاددهی و یادگیری است حال به صورت افقی - عمودی باشد، یا مورب یا ترکیبی، کانون توجه دانش‌آموختگان است تا قابلیت‌های سه‌گانه شناختی - گرایش مهارتی و رفتاری او تقویت شود و مهارت اندیشه و عمل نقاد. (Critical thinking action)، مهارت حل مسئله (Problem solvents)، مهارت تصمیم‌گیری (Decision making)، و مهارت اندیشه و استدلال تحلیلی (Analytical thinking) در او تقویت شود. برای اینکه دانش پژوه به حوزه فقه و حقوق اقتصادی آشنا شود، در سطح کارشناسی ارشد باید با

دروس تکلیف‌شناختی بینشی و بنیان‌شناختی و دروس استدلالی اقتصاد اسلامی آشنا شود و با روش‌شناسی فرارشته‌ای شکاف و نقیصه موجود در تربیت سرمایه‌های انسانی جبران شود تا محقق بتواند از نظریه عبور کند، در عرصه اجرا و عمل و سیاست‌گذاری صاحب نقش شود. اکنون که رهیافت‌های تلفیقی در طراحی رشته‌های چندوجهی در پاسخگویی به سؤال‌های پیچیده عرصه حیات انسانی را در سطح دانشگاه‌های بزرگ دنیا به نحو اختصار و استدلال عرضه کردیم وقت آن است که رشته فقه و حقوق اقتصادی که براساس نظریه ترابط فقه و حقوق و اقتصاد با همکاری استادان برجسته در عرصه فقه، حقوق و اقتصاد برای سطح کارشناسی ارشد از بین فارغ‌التحصیلان کارشناسی فقه، حقوق، و اقتصاد تنظیم شده است تا با ارائه درس‌های الزامی و اختیاری و جبرانی معلوم شود که با کدام یک از این رهیافت‌ها تطابق دارد و تا چه حد از محاسن هر یک از آنها برخوردار و از معایب آنها دور و بری است.

سرفصل‌های فقه و حقوق اقتصادی

سرفصل‌های این رشته شامل موارد زیر است:

- اقتصاد خرد و کلان؛
- بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه؛
- فقه و حقوق ابزارهای مالی؛
- نظام اقتصاد اسلامی؛
- تاریخ اندیشه اقتصادی؛
- مبانی حقوق اقتصادی؛
- متون فقه استدلالی اقتصادی؛
- حقوق قراردادهای بین‌المللی؛
- حقوق تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی؛
- حقوق بانکی؛
- فقه و حقوق مشارکت‌های تجاری؛

- فقه و حقوق اقتصاد ایران؛
- فقه و حقوق محیط زیست؛
- قواعد فقه اقتصادی؛
- حقوق رقابت؛
- حقوق بازار بورس؛
- حقوق مالکیت فکری؛
- متون انگلیسی حقوق اقتصادی؛
- روش تحقیق در علوم انسانی؛
- روش تحقیق در فقه (اصول فقه)؛
- مسئولیت مدنی.

گفتنی است در تهیه فصل‌های دروس یادشده از نظر استادان و همکاری آقایان دکتر سبحانی (دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)، حجه الاسلام موسویان، دکتر حکمت‌نیا، معصومی‌نیا، میرمعزی (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه)، دکتر رضایی (دانشگاه مفید)، حجه الاسلام نظری (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، دکتر شیروی، دکتر علوی، دکتر قنواتی، دکتر باقری (حقوق تهران)، حضرات آقایان موسویان، دکتر حکمت‌نیا (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) و برخی همکاران حقوق پردیس استفاده شده است.

از دروس یادشده، درس‌هایی مثل آیات الاحکام، مبانی حقوق اقتصادی، ابزارهای مشتقه، بازارهای مالی، مشارکت‌های تجاری، متون فقه، اقتصاد اسلامی، سرمایه‌گذاری خارجی، قراردادهای بین‌المللی، بورس و رقابت اقتصاد ایران، متون حقوقی، و مسئولیت مدنی و سمینار الزامی است و دورسی مانند اصول فقه، مالکیت فکری، قواعد فقه، محیط زیست، حقوق بانکی، فقه و حقوق بیمه و تاریخ اندیشه درس‌های اختیاری‌اند که از بین آن‌ها باید ۶ واحد با نظر گروه انتخاب شوند.

برای فارغ‌التحصیلان کارشناسی اقتصاد درس‌های مدنی ۳ و ۶ و تجارت ۲ و ۳ و ۴ پیش‌نیاز،

و برای کارشناسی حقوق اقتصادی خرد و کلان پیش نیاز تلقی می‌شوند. اگر به نحوه تنظیم و برنامه‌ریزی دروس عنایت شود ملاحظه خواهد شد در بعضی دروس روش‌درون رشته‌ای موازی به‌کار گرفته شده است، مثل اقتصاد ایران، تاریخ اندیشه اقتصادی با حقوق قراردادهای بین‌المللی و حقوق تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی.

در بعضی دروس روش میان‌رشته‌ای به‌کار گرفته شده است، مثل فقه و حقوق ابزارهای مالی، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، و در بعضی دیگر رهیافت چندرشته‌ای متقاطع به‌کار گرفته شده است، مثل اقتصاد اسلامی، و در نهایت، از رهیافت تلفیقی چندرشته‌ای متکثر مثل قواعد فقه اقتصادی، و در تهیه موضوع پایان‌نامه، رهیافت فرارشته و چندرشته‌ای موضوع‌محور استفاده شده است.

نتیجه

طی بیان نظریه ترابط فقه و حقوق و اقتصاد یا قرائت فقهی حقوق اقتصادی و حاصل آن تولید رشته فقه و حقوق اقتصادی ملاحظه شد که چگونه از رهگذر این رهیافت زمینه بروز و تبلور مفهوم‌ها و متون سنتی فقهی حقوقی و اقتصادی در برنامه‌های درسی و امکان تلفیق آن با مبانی نظری نوین فراهم می‌شود و زمینه بیان پاسخ‌های درخور به پرسش‌های پیش روی نظام را فراهم می‌کند.

علاوه بر آن، نهضت نرم‌افزاری و کرسی‌های نظریه‌پردازی و نوآوری مورد نظر مقام معظم رهبری (دامت برکاته) که سیاست پیش روی نظام اسلامی است و مورد نیاز عرصه‌های علمی و مدیریت و سیاستگذاری کشور، و باعث وحدت حوزه و دانشگاه است، منوط به داشتن سیاست‌ها و نظام‌های معرفتی مؤثر، کارا و منسجمی است که از طرفی، مبتنی بر مبانی و معارف و قواعد متقن اسلامی باشد و از طرف دیگر، مبتنی بر توان شناسایی واقعیت‌های موجود حال حاضر کشور و پیشنهاد راه حل برون‌رفت از مشکلات چندوجهی و پیچیده باشد. این مهم با ارائه چنین نظریه‌پردازی‌ها و طراحی رشته‌های تلفیقی چندمنظوره و تربیت دانش‌آموختگان تأثیرگذار و کارآمد میسر است، که شرح آن گذشت.

البته بین مطالعات میان‌رشته‌ای با مطالعات بدون الگوی دانش‌های مختلف تمایز جوهری وجود دارد. در مثال محقق تعریف عدالت را از مکتب می‌گیرد و الگوسازی می‌کند و در سایه تحلیل‌های علمی مشکلات اقتصادی را تشریح می‌کند و در خدمت فعالیت‌های مطلوب سیاست‌گذاری مکتبی قرار می‌دهد، در نهایت، جامعه را به سمت اهداف متعالی انسان‌ها هدایت می‌کند، فرارشته‌فقه و حقوق و اقتصادی انتظار دارد با پرهیز از نقاط و تفکیک حوزه موضوع و حکم و رعایت روش تلفیق موجه علمی در این عرصه چندتباری و کثیرالاضلاع نقش‌آفرینی کند.

منابع و مأخذ

۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه نور*، جلد دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲. انس الزرقا، محمد (۱۳۸۳)، «اسلامی کردن علم اقتصاد مفهوم و روش»، ترجمه منصور نژاد، *فصل‌نامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۴، صفحات ۱۵۳-۱۲۹، شماره ۱۵، صفحات ۱۶۶-۱۴۵.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، *فلسفه حقوق مدنی*، تهران، گنج دانش.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *وسایل الشیعه*، بیروت.
۵. دادگر، یدا... (۱۳۸۴)، *درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد*، تهران، نشر نی.
۶. دادگر، یدا... (۱۳۸۵)، «پیش‌درآمدی بر سنتز حقوق و اقتصاد»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۳، صفحات ۲۰۶-۱۶۳.
۷. دنو (۱۳۷۷)، «طراحی برنامه‌ها و مواد آموزشی به شیوه تلفیقی و میان‌رشته‌ای»، ترجمه خلخال، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دوم، شماره دوم، صفحات ۱۴۴-۱۲۵.
۸. رضایی، مجید (۱۳۸۶)، *روش ابتکاری شهید صدر در کشف مکتب اقتصادی*، قم، دانشگاه مفید، مرکز مطالعات اسلامی.
۹. رضایی، مجید (۱۳۸۷)، «ترابط فقه، حقوق و اقتصاد اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۱، صفحات ۳۵-۷.
۱۰. ریشتر، رودلف (۱۳۸۷)، «اقتصاد نهادی جدید آغاز معنا و درونی»، ترجمه سیدحسین میرجلیلی، *مجله اقتصادی*، شماره‌های ۷۹ و ۸۰، صفحات ۸۷-۵۱.
۱۱. سبحانی، جعفر (۱۳۷۸)، *سیمای اقتصاد اسلامی*، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۱۲. سبزواری، حاج ملاهادی (بی‌تا)، *شرح مثنوی*، تهران، سنایی.
۱۳. صدر، سیدکاظم (۱۳۷۹)، «ارتباط متقابل علم اقتصاد با مکتب اقتصاد اسلامی»، *فصل‌نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، صفحات ۱۸۲-۱۶۳.

۱۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷ق)، *اقتصادنا*، مشهد، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۵. فریدمن، دیوید (۱۳۸۰)، «حقوق و اقتصاد»، ترجمه پیمان شادفر، *مجله اقتصادی*، شماره دوم، صفحات ۴۹-۴۳.
۱۶. قورچیان، نادرقلی (۱۳۷۴ ش)، *شقوق گوناگون جهت طراحی برنامه درسی*، تهران، مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی.
۱۷. معصومی‌نیا، غلام علی (۱۳۸۷)، *ابزارهای مشتقه*، قم، پژوهشگاه.
۱۸. موسوی، سیدعباس (۱۳۶۸)، *صکوک*، قم، پژوهشگاه.
۱۹. مؤلفین، خاتم پیامبران (۱۳۶۸)، تهران، حسینیه ارشاد.
۲۰. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۹)، «روش کشف نظام اقتصادی اسلام (رابطه فقه و اقتصاد)، فصل‌نامه پژوهش دانشگاه امام صادق (ع)» ، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، صفحات ۳۴-۵.
۲۱. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۸)، *نظام اقتصادی اسلامی*، قم، کانون اندیشه.
۲۲. نادران، الیاس (۱۳۸۸)، *اقتصاد اسلامی*، قم، پژوهشگاه.
۲۳. وزیری فرد، سیدجعفر (۱۳۷۶)، *مسائل اقتصادی در تفسیر المیزان*، تهران، امیرکبیر.
۲۴. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۳)، *مکتب و نظام اقتصادی اسلامی*، قم، خانه خرد.
۲۵. یشربی، سیدعلی محمد (۱۳۶۸)، *مقدمه علم حقوق*، قم، دفتر نشر نوید اسلام.